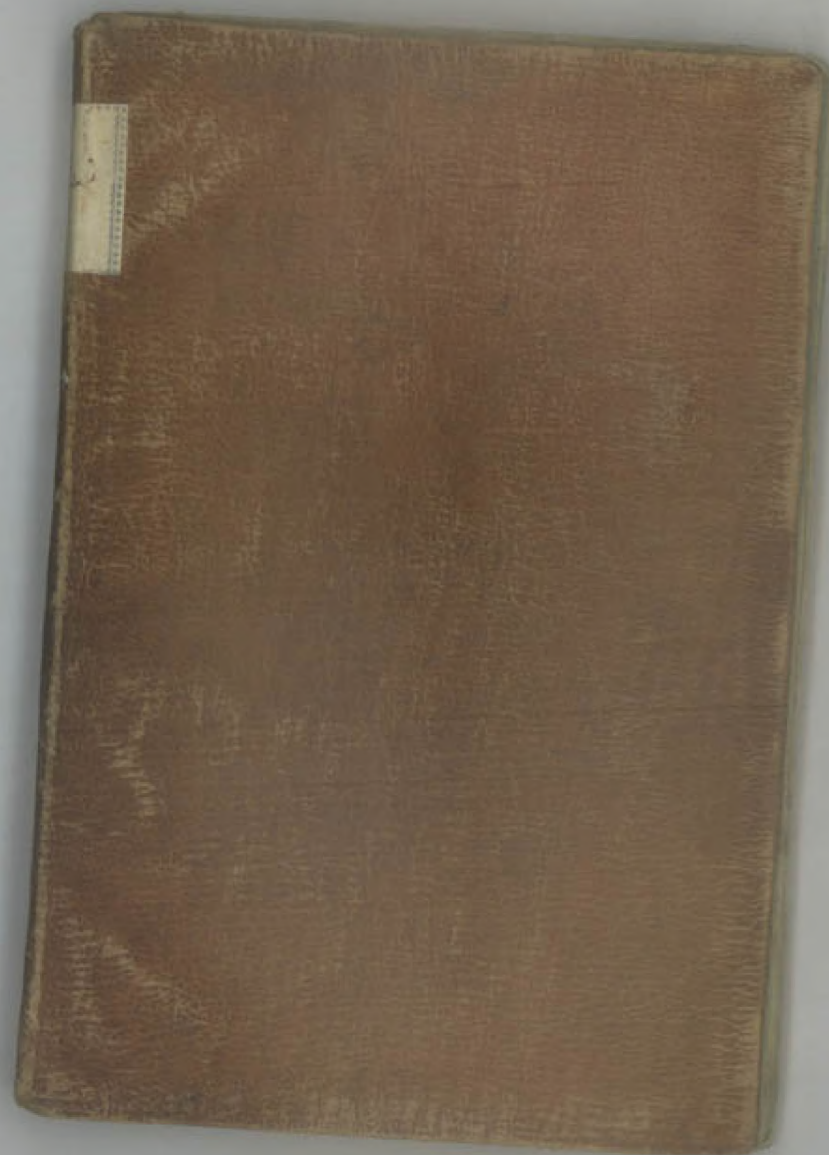


کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۴۸۳



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	نفس الصبیان
مؤلف	
موضوع	
شماره اختصاص	(۴۸۳) از کتب اندلس : کتبخانه
شماره ثبت کتاب	۲۰۸۶۷
تاریخ ثبت	۱۳۰۸/۱۷

۲۷۷
۱۱۰۱۱

۱۱۱

۱۱۱

هر که از او بخرد و بخشد
 که عبارت از کلاه باشد یا و سوار باشد همراه کلاه و زره
 و نصف دیگر و بجا نماند و کلاه و زره و سوار و سوار و سوار

بسم الله	الرحمن الرحيم
قل هو الله	الله اعلم
لم يلد ولم يولد	لم يكن له كفوا احد

لهما
 در حقیقت و در حقیقت
 انصاف



۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

عزیز است علم بحسب علی بن ابی طالب
قدی از وی بنظم در آوردی تا بی تکلیف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 می گوید ابو نصر فراموشی
 که دانش و لغت را کما
 حیدر خاند و خند حاسد و مآخیز
 الشمال التل الدقیق و تحریف الشمال
 التل الدقیق که چون حبیب از پیش از تعلم
 لغت عرب و غیبی افتد با شعار فارس
 چه خوش آمدن شعر و جملهای موزون
 غزلیت و تعلم لغت و کلام و علم
 قدی از وی بنظم در آورده و باب تکلیف

و چندیتی که ضابط بود هر نوعی از علوم و بیانی
این قطعه را در آوردم تا بنویستن و خواندن
این نسخه هر کس را عیب افتد چون این مجموع
و بهیست آمد در اصاب الصبنا نام کردیم بانه
التقوی کلک و بنده ضعیف بن جمال الدین
اصفا حسن حاله گوید بعد از آنکه ابی اسحق
بنظر آمد بود و از استادان استماع نمود و بیانی
مینمود احقاق آن در حوش نصاب کردن بیانی
بر مناسبت معنوی ملائمت حقیقی آثار از صفیر
ای کتاب در روح کردم و علامت آن من الوافید

فصل در بیان احوال و حال
و در بیان احوال و حال
و در بیان احوال و حال

اگر است بخت
غبار است دوزخ
از آنکه است بخت

نمایان شد خنجر
آلای جوی سیم چکا بخت
چشم نظر حله سحر
ششم گفتا
چشم
زها و زکایز که عقل دانی
تعب رنج و داعت و قوح تین
و جمع درد و سختی تب و یل و آ

تعلیم بیا موز و اعلم بدان
تو هم بخشای و استحقا
من همد سما آسمان ارض و غیر زمین
محل و مکان و معانی است

سفر و وزخ و نار آتش و
چو جنت وشتاخ آتش
دیده شش قفا حیر و وجود

از آنکه است بخت
غبار است دوزخ
از آنکه است بخت

خیزد ان عقب پاشند بجلای
شغل لب لسان چند زبان و دهان

ید و جار و حد دست و حلقوم
فهرست اسب و بغل است و سرج وین
بعین اشک است و جبین و خد و راس
غنی و لاد است و مکی که

قنات است کاذب و عذاب خوش
چون بیوع چشم حما است

عقربا و هیصم چو هر ماه شمس
مهر و ماه و ماه

صمدی غمد جو اندیشه رای
 کز آن عود و سبط و سبک رای
 و صانع جنت و قمارباز
 و هدی دایستی کذب و فیه دوع

عقیف و حصود و دوع یار
 بکد کوره را شهر از شهر ماه
 دگر و راطاق و طاق پای
 من چدرها و بهار و شبنم

شود است و بل بود و بل وای
 عیون شود چشم و بلید است
 و عیون شود چشم و بلید است

و صانع جنت و قمارباز
 و هدی دایستی کذب و فیه دوع
 عقیف و حصود و دوع یار
 بکد کوره را شهر از شهر ماه

بود و دغی المعی تیر رای
 حقیق و جدیر و غین و حری
 سزا و ارها که و ادخل را

القطعة الثانیة بحر المحبت
 تیر محبت از آن طبعها شتاب کند
 کز آن سخن هم چون لولو خوشاب کند

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 حنیف کنند و قطع او صواب کند
 ضیا و نور و سنا و روشنی و چه گران
 قوی خفیف و جوان و سبک و ثقیل

و صانع جنت و قمارباز
 و هدی دایستی کذب و فیه دوع
 عقیف و حصود و دوع یار
 بکد کوره را شهر از شهر ماه

و صانع جنت و قمارباز
 و هدی دایستی کذب و فیه دوع
 عقیف و حصود و دوع یار
 بکد کوره را شهر از شهر ماه

ز شمع زبیر که از کوه افلاک درویش
نشان از نور ابرو که در آینه زویش
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

دخبل درایت و حدید آهن و صابون
نخستین در حاجت بیکه معدن کان
نخستین در حق آنکه سر بر سر
حلی است زیور و عالی گران و خشن
جواز و سیف و حیا است و فصاحت
نخستین در حق آنکه سر بر سر

حلی
بهر که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

عجب و یلبه خوش است و دروغ زده
و حق کند و ضل و معجزه بیکان
هدف نشانی غرض و خیر و حکمت
و قوزده آمد و معارض نیز گزیدن

و حق
آن که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

ابوالمکارم که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

را که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

عجاج و قلع و قوام و هب و هج غبار
گلوم خشنکی و موت مرگ و میره وان
حشاشه باقی جان و عراضه راه و دگر
قراضه دین و زربنج سود و خسر بیان
بیوٹ و نسر و یغوات و بعل و دود
سواع و لات و مناة است نامهای تان
صنم است و نصیب آن بی که از سنک

و نبت و وثقی بت پست و ال پیمان
چو عود و شارف و نابت و نایف پی
آفیل خاشبه و حشواشتان جوان

نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک
نور که در کعبه زویش از نور افلاک

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

نیست چون بحر و مل بحر کن بر اتفاق
 بیش باشد طبعها را سوختن طشت قیاس
 فاعلاق فاعلاق فاعلاق فاعلاق
 شاد باش ای منظر اهل خراسان عراق
 جید کن صد سینه بکافور اس
 توب جامه بزیق روزی زد تو شب در
 کوه روزن غرق و دروازه است سکه
 سکه کوه قریب دروازه است بیک
 عمر متقی بیت خانه کل میر و مل یک

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

کوفه

حسن خوبی قم زشتی جاف خشک و طاق

کوه روزن کن کن و وسیم و سیم و خاک

دگر دکان سده و دگر سکه کوی و باب و

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

حیه مار و حوت ماهی طیر مرغ و ریش

عین چشم و آنف بینی حاجب آب و شعور

نقیضه شمشیر و ذن کوش اطرافش کرج

هذه صلح و حرب جنک و يوم و نيلک

غیظ خشم و ضحک خند حکما و نقیب کی

شارق و شمس و کا و بوح و بیضا آفتاب

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

القطعة الثالثة في بحر الرمل
 بحر الرمل

مغایان فیلا ان مغایان ضیاد
 تو بحر جیشان بجز ان در کین کار
 فردر جیش و کاسین صیاد
 جو بیل ان جملت و بکند از
 خطاب جیش او را از و حقت
 عتاد و شاد و جیش نام و حقا
 بدینه و بلند جیش و جیش
 چنانکه مر که لشکر کات جیش
 صحیف نامه قلم خامه ان و کین کار
 خیال و خط سوزن جیش و حقا

مغایان فیلا ان مغایان ضیاد
 تو بحر جیشان بجز ان در کین کار
 فردر جیش و کاسین صیاد
 جو بیل ان جملت و بکند از
 خطاب جیش او را از و حقت
 عتاد و شاد و جیش نام و حقا
 بدینه و بلند جیش و جیش
 چنانکه مر که لشکر کات جیش
 صحیف نامه قلم خامه ان و کین کار
 خیال و خط سوزن جیش و حقا

مغایان فیلا ان مغایان ضیاد
 تو بحر جیشان بجز ان در کین کار
 فردر جیش و کاسین صیاد
 جو بیل ان جملت و بکند از
 خطاب جیش او را از و حقت
 عتاد و شاد و جیش نام و حقا
 بدینه و بلند جیش و جیش
 چنانکه مر که لشکر کات جیش
 صحیف نامه قلم خامه ان و کین کار
 خیال و خط سوزن جیش و حقا

ایب عاقل و غری و غافل کول
 تیقن و آذر و خرد و رفیق و صاحب
 حدیق باغ و حب چو منوخ شفا
 شرب و تفاح عیب و زمان کار
 احدی که شره و دهانه صدکشان
 تار و خمیر سه و پنج ارباب
 و ملک شد و سبب ثنائی تیغ
 شراب و عفت و کرم نه حواله
 روز چو پست عشق و دیکه از تالش
 چو ارباب چهل شخص و خمیر دار

ایب عاقل و غری و غافل کول
 تیقن و آذر و خرد و رفیق و صاحب
 حدیق باغ و حب چو منوخ شفا
 شرب و تفاح عیب و زمان کار
 احدی که شره و دهانه صدکشان
 تار و خمیر سه و پنج ارباب
 و ملک شد و سبب ثنائی تیغ
 شراب و عفت و کرم نه حواله
 روز چو پست عشق و دیکه از تالش
 چو ارباب چهل شخص و خمیر دار

چو صفت شبنم خنجر از بستان
در کفایت و قیاس و المیست مدار
چنانکه آیم و حقش از دست و انجبار
بطایر بر دلش کاشد و خنجر غلغله
بشود و دهن و خنجر جبار

کلام و خلق سخن از هلاک و فساد
چو در کتب کند جلالت را بشناسد

شمارت خصل انسان به عقل و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر
و قهر و مقام و قهر و روح و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر

چو صفت شبنم خنجر از بستان
در کفایت و قیاس و المیست مدار
چنانکه آیم و حقش از دست و انجبار
بطایر بر دلش کاشد و خنجر غلغله
بشود و دهن و خنجر جبار

کلام و خلق سخن از هلاک و فساد
چو در کتب کند جلالت را بشناسد

کمی دلاور و غایب سوار و صید شکار
در کفایت و قیاس و المیست مدار
چنانکه آیم و حقش از دست و انجبار
بطایر بر دلش کاشد و خنجر غلغله
بشود و دهن و خنجر جبار

غریب بدست و صنوبر خلاف و ناوید
و در کفایت و قیاس و المیست مدار
چنانکه آیم و حقش از دست و انجبار
بطایر بر دلش کاشد و خنجر غلغله
بشود و دهن و خنجر جبار

چو در کتب کند جلالت را بشناسد
کلام و خلق سخن از هلاک و فساد
چو در کتب کند جلالت را بشناسد

شمارت خصل انسان به عقل و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر
و قهر و مقام و قهر و روح و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر

غریب بدست و صنوبر خلاف و ناوید
و در کفایت و قیاس و المیست مدار
چنانکه آیم و حقش از دست و انجبار
بطایر بر دلش کاشد و خنجر غلغله
بشود و دهن و خنجر جبار

چو در کتب کند جلالت را بشناسد
کلام و خلق سخن از هلاک و فساد
چو در کتب کند جلالت را بشناسد

شمارت خصل انسان به عقل و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر
و قهر و مقام و قهر و روح و عباد
و عقاد و قهوه و روح و مقام و قهر

چو اهل شور و کوش و خوار و سید گداز
 تصالح است که هر چه دست بیکدیگر
 بماند است که فتن کار و حجر کنار
 و خیرش نه دین و خاک بر سر
 فلول رام و دین حق و نظم ساز
 عوان و شب کال و عوب و شهر و
 قرام برجه بایک و یکد و سید از
 مراح جای شمشیر و سبیل و علم
 کاین آن و چو امان آمو و قنار
 قصه دان جو و سبیل و خور و دانی

Handwritten marginalia:
 در این شعر...
 در این شعر...
 در این شعر...

علیه نوبه و نوار و حیرت و حیرت
العلق الحائضه بحر الحمت
 قریب و کن و حیم است خویش و این پسر
 و یکد و طیل و حجام و والد و مادر
 و رحم و مات و زید و کان بود و خن و اما
 چنانکه و حیرت و الدواب و پدر
 زکات و حقی و حیرت و حیرت
 جلی و بد و دینی و رسول و یغنی
 ملک و حیرت و حیرت و حیرت
 شهاب و کب و دینی و حیرت و حیرت

Handwritten marginalia:
 در این شعر...
 در این شعر...
 در این شعر...

فلق سیدہ شفیقہ و شفیقہ و اولاد

بہارِ بخشین و ثانی دوم | خیر پین

کتابخانه عمومی
شعبه کتب خطی
موزه و کتابخانه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

100

چه دل ز برف عشاق بر کند همنگ
 بهر جهت بخوان غزل به لحنه و چنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

بگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

نوم سیر و جلیلاست گشتن چون چرخ خود
 ز لاله ها و پندار و جهم و دوزخ و عشاق و یه
 دود و گرم و دغ و شمس و خورشید و خورشید
 نهی و جوب و قرض و محبت و جوب و فاشد سپا
 است درع و جوبه بالا و جوبه صباست درع

فولاست با قاف او دزدان و دزدان سلت جو
 پس عدس و ان و باج و شمس و جوب و جوب
 زاز باج و بادبان سلت بوی خوش از خرفی
 ندر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب
 ناجران سالار از دکان و خارجا بکار

نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب
 ناجران سالار از دکان و خارجا بکار
 نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب

نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب
 ناجران سالار از دکان و خارجا بکار
 نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب

نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب
 ناجران سالار از دکان و خارجا بکار
 نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب

نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب
 ناجران سالار از دکان و خارجا بکار
 نادر و شتی اراکند و شمس و جوب و جوب

صاعد آمدی که بالا میرد با طوفان

القطعه الفقهی لعل و لعل و لعل و لعل

سعال سحر و سحر و سحر و سحر و سحر و سحر
 قصه و قصه و قصه و قصه و قصه و قصه
 قیال الیاء و ناک و ناک و ناک و ناک و ناک و ناک

شعاع او زهر و صیغ چه شکوفه نیک
 اشخ شکست سر و شکست سر و شکست سر و شکست سر
 ایشل و اقطع بیدست دان و اقطع بیدست دان

قتیل گشته و عظم اسخوان صبح گشتار
 چو قند و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب
 چو قند و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب

چو قند و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب
 چو قند و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب
 چو قند و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب و دلب

بگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

بگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

بگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

بگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
 نگوئی تا شود در عقل دانش و هنر همنگ

غراب دلق و هراس عکلیپ و کت
 طبع کمال و کز کجوز است و کتک
 قصب آبد و طفا کز و باغ غر
 خان که ثمان و قباغ از دها و نکل
 قناعت این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک

قناعت این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک
 قناعت این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک
 قناعت این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک

ب

این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک

جدید و غش و قشید بدیع تازه و نو

شریح قشید کمان و مقابل کجک
 شریح قشید کمان و مقابل کجک
 شریح قشید کمان و مقابل کجک
 شریح قشید کمان و مقابل کجک

صابان خواب و قشید لاله و در قشید
 صابان خواب و قشید لاله و در قشید
 صابان خواب و قشید لاله و در قشید
 صابان خواب و قشید لاله و در قشید

ادیب را ادب آموزان ادب و هنک
 ادیب را ادب آموزان ادب و هنک
 ادیب را ادب آموزان ادب و هنک
 ادیب را ادب آموزان ادب و هنک

این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک

این کافیند و طبع من
 ذلیل خوار و غر زاده جمد و همد هنک

عزیز آسان و سهل شکل
عزیز است شکن آسان و سهل
آسان است شکن عجز و سهل

خانہ حوض قلعہ جو جاگانہ ان

زیرا که حوسون جواب اوت بحال نیست

الحمد لله الذي جعل في القرآن الكريم

مکتوبه حضرت امام و تنبیها

طريقه و بيا و جبر و است

صحة كونه دسمة من اجزاء

وَمَا يَكْفُرُ لَكُمْ عَنْهُ وَمَا يُبْدِي

1. The first is the
 2. second is the
 3. third is the
 4. fourth is the
 5. fifth is the
 6. sixth is the
 7. seventh is the
 8. eighth is the
 9. ninth is the
 10. tenth is the
 11. eleventh is the
 12. twelfth is the
 13. thirteenth is the
 14. fourteenth is the
 15. fifteenth is the
 16. sixteenth is the
 17. seventeenth is the
 18. eighteenth is the
 19. nineteenth is the
 20. twentieth is the
 21. twenty-first is the
 22. twenty-second is the
 23. twenty-third is the
 24. twenty-fourth is the
 25. twenty-fifth is the
 26. twenty-sixth is the
 27. twenty-seventh is the
 28. twenty-eighth is the
 29. twenty-ninth is the
 30. thirtieth is the
 31. thirty-first is the
 32. thirty-second is the
 33. thirty-third is the
 34. thirty-fourth is the
 35. thirty-fifth is the
 36. thirty-sixth is the
 37. thirty-seventh is the
 38. thirty-eighth is the
 39. thirty-ninth is the
 40. fortieth is the
 41. forty-first is the
 42. forty-second is the
 43. forty-third is the
 44. forty-fourth is the
 45. forty-fifth is the
 46. forty-sixth is the
 47. forty-seventh is the
 48. forty-eighth is the
 49. forty-ninth is the
 50. fiftieth is the
 51. fifty-first is the
 52. fifty-second is the
 53. fifty-third is the
 54. fifty-fourth is the
 55. fifty-fifth is the
 56. fifty-sixth is the
 57. fifty-seventh is the
 58. fifty-eighth is the
 59. fifty-ninth is the
 60. sixtieth is the
 61. sixty-first is the
 62. sixty-second is the
 63. sixty-third is the
 64. sixty-fourth is the
 65. sixty-fifth is the
 66. sixty-sixth is the
 67. sixty-seventh is the
 68. sixty-eighth is the
 69. sixty-ninth is the
 70. seventieth is the
 71. seventy-first is the
 72. seventy-second is the
 73. seventy-third is the
 74. seventy-fourth is the
 75. seventy-fifth is the
 76. seventy-sixth is the
 77. seventy-seventh is the
 78. seventy-eighth is the
 79. seventy-ninth is the
 80. eightieth is the
 81. eighty-first is the
 82. eighty-second is the
 83. eighty-third is the
 84. eighty-fourth is the
 85. eighty-fifth is the
 86. eighty-sixth is the
 87. eighty-seventh is the
 88. eighty-eighth is the
 89. eighty-ninth is the
 90. ninetieth is the
 91. ninety-first is the
 92. ninety-second is the
 93. ninety-third is the
 94. ninety-fourth is the
 95. ninety-fifth is the
 96. ninety-sixth is the
 97. ninety-seventh is the
 98. ninety-eighth is the
 99. ninety-ninth is the
 100. hundredth is the

عن خواستگار و بالذات

فوش باجن دان وفا سید نیا

عَلَيْهِ أَقْبَرُ عَسَدُ دَوَامِدِي

جو ایضاً فیدائت و اسوداء

دُنْيَا وَغَرَبَ سَجَلَاتُهَا

کہ اس میں قلبی استیحاء

طاب منمات وصاله وحب

موتیہ عت و کلاوان کے

الحمد لله على نعمائه

حاج محمد بن علی

مستند
مستند

1871

عمر دوازده ساله در شهر تبریز در روز ۱۲/۱۰/۱۲۸۵

کتابخانه عمومی و موزه ملی ایران

کتابخانه عمومی و موزه ملی ایران

تاریخ احمدیہ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي جاء به الهدى والرحمة
الكرامة

و بعد از آن که در مدینه رسید، فرموده شد که بر او و همسرش و فرزندان و خدمتکاران و اسبها و اموال و غیره آنجا که خواهد بود، هر چه بخواهد ببرد.

وہی ہے جس نے ان کو بتایا کہ ان کو کون سا کام کرنا چاہیے۔

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

1911

ساقی شریفات کجین

میکند و میبازد و میبازد
حکما و حکما و حکما و حکما

ولی پند میخواند کوه
نجات بخشی و فتن و فتن

سپاس کنن میاست شینا
غنی میاید و است میام

عشاق و خندان میاست شینا
قیده حکما و حکما و حکما

روز و شب میفرموده کلاه
و روز و شب میفرموده کلاه

شاید
در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها

مکتب کلاه
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها

الطائف کما تشریف فی بحر الخیاب

خوشتر از بحرهای است بحر خفیف

و زنا و اصل شوق لطیف

فا عیان مفاصل فیلان

کل شی من الطیر فی طیف

من و عن آری و خفا

این کو کف چون ام و آویا

هفده حرف چه بود بیست و نهمین

کانه دین پان بیست و نهمین

با و آ و کاف لام و او و نند و م و خلا

و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها

اصل او و زنا
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها

و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها
و در هر یک از اینها

1871
 1872
 1873
 1874
 1875
 1876
 1877
 1878
 1879
 1880
 1881
 1882
 1883
 1884
 1885
 1886
 1887
 1888
 1889
 1890
 1891
 1892
 1893
 1894
 1895
 1896
 1897
 1898
 1899
 1900
 1901
 1902
 1903
 1904
 1905
 1906
 1907
 1908
 1909
 1910
 1911
 1912
 1913
 1914
 1915
 1916
 1917
 1918
 1919
 1920
 1921
 1922
 1923
 1924
 1925
 1926
 1927
 1928
 1929
 1930
 1931
 1932
 1933
 1934
 1935
 1936
 1937
 1938
 1939
 1940
 1941
 1942
 1943
 1944
 1945
 1946
 1947
 1948
 1949
 1950
 1951
 1952
 1953
 1954
 1955
 1956
 1957
 1958
 1959
 1960
 1961
 1962
 1963
 1964
 1965
 1966
 1967
 1968
 1969
 1970
 1971
 1972
 1973
 1974
 1975
 1976
 1977
 1978
 1979
 1980
 1981
 1982
 1983
 1984
 1985
 1986
 1987
 1988
 1989
 1990
 1991
 1992
 1993
 1994
 1995
 1996
 1997
 1998
 1999
 2000
 2001
 2002
 2003
 2004
 2005
 2006
 2007
 2008
 2009
 2010
 2011
 2012
 2013
 2014
 2015
 2016
 2017
 2018
 2019
 2020
 2021
 2022
 2023
 2024
 2025
 2026
 2027
 2028
 2029
 2030
 2031
 2032
 2033
 2034
 2035
 2036
 2037
 2038
 2039
 2040
 2041
 2042
 2043
 2044
 2045
 2046
 2047
 2048
 2049
 2050
 2051
 2052
 2053
 2054
 2055
 2056
 2057
 2058
 2059
 2060
 2061
 2062
 2063
 2064
 2065
 2066
 2067
 2068
 2069
 2070
 2071
 2072
 2073
 2074
 2075
 2076
 2077
 2078
 2079
 2080
 2081
 2082
 2083
 2084
 2085
 2086
 2087
 2088
 2089
 2090
 2091
 2092
 2093
 2094
 2095
 2096
 2097
 2098
 2099
 2100
 2101
 2102
 2103
 2104
 2105
 2106
 2107
 2108
 2109
 2110
 2111
 2112
 2113
 2114
 2115
 2116
 2117
 2118
 2119
 2120
 2121
 2122
 2123
 2124
 2125
 2126
 2127
 2128
 2129
 2130
 2131
 2132
 2133
 2134
 2135
 2136
 2137
 2138
 2139
 2140
 2141
 2142
 2143
 2144
 2145
 2146
 2147
 2148
 2149
 2150
 2151
 2152
 2153
 2154
 2155
 2156
 2157
 2158
 2159
 2160
 2161
 2162
 2163
 2164
 2165
 2166
 2167
 2168
 2169
 2170
 2171
 2172
 2173
 2174
 2175
 2176
 2177
 2178
 2179
 2180
 2181
 2182
 2183
 2184
 2185
 2186
 2187
 2188
 2189
 2190
 2191
 2192
 2193
 2194
 2195
 2196
 2197
 2198
 2199
 2200
 2201
 2202
 2203
 2204
 2205
 2206
 2207
 2208
 2209
 2210
 2211
 2212
 2213
 2214
 2215
 2216
 2217
 2218
 2219
 2220
 2221
 2222
 2223
 2224
 2225
 2226
 2227
 2228
 2229
 2230
 2231
 2232
 2233
 2234
 2235
 2236
 2237
 2238
 2239
 2240
 2241
 2242
 2243
 2244
 2245
 2246
 2247
 2248
 2249
 2250
 2251
 2252
 2253
 2254
 2255
 2256
 2257
 2258
 2259
 2260
 2261
 2262
 2263
 2264
 2265
 2266
 2267
 2268
 2269
 2270
 2271
 2272
 2273
 2274
 2275
 2276
 2277
 2278
 2279
 2280
 2281
 2282
 2283
 2284
 2285
 2286
 2287
 2288
 2289
 2290
 2291
 2292
 2293
 2294
 2295
 2296
 2297
 2298
 2299
 2300
 2301
 2302
 2303
 2304
 2305
 2306
 2307
 2308
 2309
 2310
 2311
 2312
 2313
 2314
 2315
 2316
 2317
 2318
 2319
 2320
 2321
 2322
 2323
 2324
 2325

وَبَّ حَاكِمِينَ عَلَى عَنِّ عَدَاةَ إِلَى

فدیت و علی بن محمد

عَنْ نَاسِئِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ

أَنْتُمْ كَمَا شَاءَ وَذَا ابْنُ مَرْءٍ

اِنَّ قُوَّتَكَ وَفِيَّ لَتَنَالُهَا

ان لوگوں کی ولایت

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ

فَكَرِهْنَا بِشَيْءٍ مِّنْهُ

المجلد الثاني

مکتبہ اسلامیہ، لاہور

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لَعَلَّاهُ وَهَاجَا

غير حفظاً مركزاً أيضاً

رَبِّهِمَا دَرَبْتُ قَنَا

مَقُومٌ مُتَدَاوِلٌ زَمَانٌ بِلَاوَاتِ

المهاو ايه دور شريف را

لِلنَّاسِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

وَأَتَيْنَاهُم بِطُفُولٍ

حاجتہ کا آری

1. 11. 11. 11. 11.

مجلس شورای ملی

منه
سنة ١٢٠٤ هـ
في شهر ربيع الثاني
يوم الاثنين
الحمد لله رب العالمين

اشهد
سنة ثمان مائة واربعمائة
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

اشهد
سنة ثمان مائة واربعمائة
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

مهدا قانوتی با هذا

بِإِشَارَتِهِ فِي جُودِ الْفَتَا

حیٰ یٰشبابُ حُورٌ قَالِدَا

من قد و صحت و رفا و عفت قدح

طریقہ یاقینہ نازیا

الرجوع إلى

تاجی و حیات من که در میان

هَذَا آفَسُهُ رَأَيْتُ وَأَهْلَ حَوْشِ

فلما اندكوا ونجى نوحا

1872

برای اطلاع و اقدام

ایک

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بہا امردو کہ انہیں دسویں وچا ہوا

روائی و تصف عدل و صفت صبر و ادب

حَفْصَةُ غَارِ رَغْوَاتٍ وَغَارِ مَدَنِيَّةٍ

نَاعِدُورَهُ وَنَا اسْتَحْدُ وَهَضَفَا

لَا تَخْذُهَا فَوَارِثًا مِلْكًا

أَنْزِلْهُ لَنَا آفَاقًا

وہی ہے جس نے ان کو اپنا گھر بنا لیا۔

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

کتابخانه و مخطوطات اسلامی

کتابخانه و اسناد

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

والله اعلم بالصواب

...
...
...

1990

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

میدود و مکانات میفروشند و چلند که

مغنیہ کر۔ وہاں واپس آغا

فقیح دان و صاحب بدی و عنانی بر غاکه

چنانکه مغرور و متان و عین و تیس و نیاز

أبو الملاح جكا ذلك وراست قبره نام

جو کہیں کہیں چوں صبر و عافیت مانی

و در جادی و اواخر حجاب

حیدر علی خان قلعہ کا

ووفوا بدينهم غنم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

211/102

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

عَطَّاسٌ عَطَسَ عَجَزًا لِيُغَيِّرَ جُنْدًا خَوْفَهُ

جَبَانِ وَهْمِاعِ وَهْدَانِ بِيْدِكِ دُخَانِ

زَنِيمِ سِنْدِ دَعَا نِيْلِي بِدِي لِي سِرَامِ

وَسَبِيلُ قَهْرٍ وَبَعْلُ زَيْنٍ وَنَحْيُ هَمَزٍ

کلمہ سحر است و حقیقتہ

قرن نذر بود محمد و شراب انباز

اَكْفَيْتُمْ دُعَاءَكُمْ وَتَسْتَعِينُنَا مِنْكُمْ

تَقْوِيَاءُ رِجَالٍ وَمَوَاقِعُ عَشْرَةِ حُرَمَازَ

عاشق و عاشقه

ضمه و فک حائضه و مکه و از

پیشہ کا سہارا

عطاش عطش عین لغوی جدام خون
جیان وهاع وهدان بیدار تحباز
دیم سید دخی نیشم بدنی نیشم
دبیل هره و بکل دن و بجی هراز
کلام هم سخا است حرف همیشه
قرن ندید بود همدم و شراب آبناز
اکیل خورد و عکاب و سخی هنام
تقی بار و موافق عیب چه هاز
علاینه علان و جگر شکاد بود
حنین فکر چه اندیش سر و بخوی راز

و این است که در این کتاب
در بیان احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت

تج و دم و دم است حول الفلک
عام و حول و سال و اسبوع و فتنه
نیت و نیت و نیت و نیت و نیت

چون هنگام آن که در و حیدر آن
غده و بکره و بکره و بکره و بکره
چون آمد بکینه و این و فلان و فلان

هفت و شصت و شصت و شصت و شصت
نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم
نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم

طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع

چون آن که در و حیدر آن

نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم

و این است که در این کتاب
در بیان احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت

چون هنگام آن که در و حیدر آن
غده و بکره و بکره و بکره و بکره
چون آمد بکینه و این و فلان و فلان

هفت و شصت و شصت و شصت و شصت
نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم
نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم

طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع

طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع
طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع

و این است که در این کتاب
در بیان احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت
و صفات و احوال و سیرت

نیم و نیم و نیم و نیم و نیم و نیم

طلوع و طلوع و طلوع و طلوع و طلوع

مفعول معاعلن مفاعیلان فاع
تقطع کنی همه بدیدار آید
نه جفت بنی که پالوده اند
بیا ام جیب خصم و دوست
فرمانده بجای قاسم و ابراهیم است
در طبع طاهر اندر تعظیم است
یا فاطمه و زینب ام کلثوم

خداوند پدید و دیده بالادان
چنانکه صاع و صبیوت حد باشد
عروج کنی جز بیکاه و آنت بلند
چار نوزم و اخاذ و غلبه و قاع کوثر
هم و عیب دلی جاد و قرائت
اینها همه جبت فرج است

در بحر هج و حاف بسیار آید
دین و دین تر آن در کار آید

مفعول

مفعول معاعلن مفاعیلان فاع
تقطع کنی همه بدیدار آید
نه جفت بنی که پالوده اند
بیا ام جیب خصم و دوست
فرمانده بجای قاسم و ابراهیم است
در طبع طاهر اندر تعظیم است
یا فاطمه و زینب ام کلثوم

مفعول معاعلن مفاعیلان فاع
تقطع کنی همه بدیدار آید
نه جفت بنی که پالوده اند
بیا ام جیب خصم و دوست
فرمانده بجای قاسم و ابراهیم است
در طبع طاهر اندر تعظیم است
یا فاطمه و زینب ام کلثوم

مفعول معاعلن مفاعیلان فاع
تقطع کنی همه بدیدار آید
نه جفت بنی که پالوده اند
بیا ام جیب خصم و دوست
فرمانده بجای قاسم و ابراهیم است
در طبع طاهر اندر تعظیم است
یا فاطمه و زینب ام کلثوم

دین شمراد و ایستقامت

نامهای چارده معصوم در یک بیت

کف خواهم تا بماند یاد کار اندر من

معلق و سه محمد بن تقی و سه علی

جعفر و موسی و زهراب حسین و حسن

چون پرسم از خضار و لوب و زردان

تقلیع او چنین که مدح او در زمان

مسوفا عیال و فاعیل و علان

این شعر در کتاب...

این شعر در کتاب...

ای حیر از جمال خود شید آن

مول و داده است غنی را بکینه

دیگر فضل آنکه نبیست نه همت

و بان در باح و صالح و نعم بیاید

بود آن و ضمیمه کینه مویب

نور و سج و اقبال مدین میدان

بالرکن و ذلک اشحاب همان

پنج اول و قدیم و رعد و حدید

فتح و دین و پیش و نصر و مهر و جنت

این شعر در کتاب...

این شعر در کتاب...

۶

از مکتبستان کثیر است امام
 نافع و عیدینه این عالم از شام
 از عصره ابو عمر و علاء الدینام
 عاصم جو علی و حزنه از کوفه تمام

بکت زانجا از بنی نسل
 ایات شی قاعده لای و قبل
 سوره صد جا و فاست قرآن از ملک
 جامع صد جا و فاست از دوی حبل

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

نجیر شده مصطفی هفت قلعه
 خدایش بداد آنچنان ملک ساله
 کتیب بدو ناعم و شوق و آنکه
 غموض و نظاره و سلیح و سلام

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

خشن و لا یغنی عن اعطای
 خدای و مندی و کمال
 ناخشن و غم و کمال و ضابطه
 و ان تصدق و غم و کمال

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

من تصدق
 من تصدق
 من تصدق

زهر باغچه دانی نهی و اما در سنجی
 زهر نهدن جو یکدستی و آیدیش آید
 بمان خرد و نیز آنکه که در دانی
 پس از سنج و دانی و آیدیش آید
 جو و نهی خرد و آیدیش آید

نسخه چو کشتی خیزد و دماه صفت
در وینج و جادای بی یکدیگر
رجبت ازین شعبان و ضامن سوال
پس بدی القصد و فی الحکایت

مجلس

موشن بفرمایند و خود کوشش
دین چار چون بگذری گشت آباد
و انگاه باب کوشت حساب
حدود و مرغ و سگ و خولان و خوار

سچقان داود و بارس میدان
 خون تو شقان و لوی و سیلاک
 پوت و قوی و پچین و کاهیل
 ایت و تنگوز سال ترکاک

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

حل و غفرت يا ابراهيم
فوس و حوت مستجد اوام
نور و میزان جو خاندانه
مرد حل است جدی دلو مقام
سجود او خوش و بد طمان
خانه آفتاب پیش و مدام
درنگ کفتم از نجوم و را
تا بیا موزیش تمام تمام

الحمد لله رب العالمين

خوب و ناسخ و دوس و یکیت
حل و نور و شیر با پیش
دلو و میزان و حوت و غفرت
بیت و نه و نون جدی یک و پیش

لا لاک لا ولا لاک
لی لاک و کالی شهور و کون است

هفت کوک که هفت عالمه را

دو عالمه را

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کاه از ایشان نظام و کاه حاکم
قرائن و عطایه و دهمده
ممنوع و مرغ و مرغ و مرغ

کواکب و قمریه میمان
چو در شید و کجایم زین کوان

آفریننده یی و ملک
دان که هست آفرینش خاک
یکم و ثواب دوم است

معاونت

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
لنا حكمة وفضل

باذناکید و دریم میرات
 نفس بخرچ چارت مدام
 همچو بخرچ بچین کجام
 شمشین چرخ مشرک آدان
 هفتین چرخ مشرک لیوان

بجہاد یدم کہ ان فتنہ برآوردند
جملہ در تہجید و در قلیل حق لا بہوث
چون کل چون تو چون خدا و ملائکہ
سند میں ان تحریک قوس جہاد و لوجت

مجلسه اول

از محل صف الف و ق و ن شان

بیت و ج و ا و ج از سلطان

از اسد و دان و سبیل و

قد و غیر از شناس و ح و ب و

و س ح ط و ن شان جدی نهاد

دلوئی یا الف بیا هی داد

چون بدانشی از برج و رقم

رقم و اخر ان بیا بدهم

آمین

آمین حرف نام هر آن خض

رقم و مینکار و در دفتر

همچو از قس و و از قس

بر همین کن قیاس پنج در ک

هفت روزی بخس باشد از قس

و ح و د کن تا نیای هیچ و نج

س و پنج و سیزده باشد از قس

بیت و هکت با بیت چهار و بیت پنج

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

تجدید باغی مساحت و مصالح
و دیگر امور مهم و ضروری

الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 اجمعین
 بعد از تسبیح سوره قیامت
 و بعد از آن تسبیح
 و تحمید و تهنیت
 و بعد از آن تسبیح
 و تحمید و تهنیت
 و بعد از آن تسبیح
 و تحمید و تهنیت

آنچه فرمود مصطفی و نکر
 بخ بودای برادر اندکیاب
 خند بر لب و اذان
 و ام دادن طهارت باقی

ده و ده و چیزها آرد و عاشق
 خدا شود و تو را حق هم شوا خدا

عجاض

عبادت و صدقه صوم و زکوة
 زیارت و صلوة و صدقه خلق و غل و بکا
 متعرف آنکه اند فارسی ناپهین
 تا نیاموی نباشی اندین معنی عاف
 بنوا کون تا کدام آنخرف یادگیر
 تا و جا و ساد و صفا طایف و عین قاف

انشعور و غیره و کله لان
 من و انما و عامل و نبات

الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 اجمعین
 بعد از تسبیح سوره قیامت
 و بعد از آن تسبیح
 و تحمید و تهنیت
 و بعد از آن تسبیح
 و تحمید و تهنیت

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

مردم منوی الحیم و چون بر کسی
 اخلاف و در دانه و هر یک استیاء
 و لکن دین و اسیر و هر از هر چل
 قصه و ناخن و کس و سید و دیار

قصه و ناخن و کس و سید و دیار
 و لکن دین و اسیر و هر از هر چل
 اخلاف و در دانه و هر یک استیاء
 مردم منوی الحیم و چون بر کسی

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

دو چندی هفتاد و یکدم سپید
 چل و شل و تار و پود و شمشاد
 دلبستگی و بیخبر از هر چل
 بدخ و من چل و بخت و چادر

و تان و نکار آید چنانچه چندان
 آبی سرگشایی کاهل طری ناز و جوی چیده
 خریف و سواد لب لاکر صفتی لاغر لبان
 سبب غرض و طوی جوع مسدود و افک
 یکی میان و بهر غزان سیم لبان در کمال
 کلف عرق و صلف لاف و تال و این تال
 جود و جانی و قیج جانی و قیج جانی
 قیج و قیج بر عهد کار و عبقری نیکو
 سخن و ها که دیر و خدیجه و سید جان
 و تیغ و صوب تیغ و آلود و جوی و قیج

و تان و نکار آید چنانچه چندان
 آبی سرگشایی کاهل طری ناز و جوی چیده
 خریف و سواد لب لاکر صفتی لاغر لبان
 سبب غرض و طوی جوع مسدود و افک
 یکی میان و بهر غزان سیم لبان در کمال
 کلف عرق و صلف لاف و تال و این تال
 جود و جانی و قیج جانی و قیج جانی
 قیج و قیج بر عهد کار و عبقری نیکو
 سخن و ها که دیر و خدیجه و سید جان
 و تیغ و صوب تیغ و آلود و جوی و قیج

و تان و نکار آید چنانچه چندان
 آبی سرگشایی کاهل طری ناز و جوی چیده
 خریف و سواد لب لاکر صفتی لاغر لبان
 سبب غرض و طوی جوع مسدود و افک
 یکی میان و بهر غزان سیم لبان در کمال
 کلف عرق و صلف لاف و تال و این تال
 جود و جانی و قیج جانی و قیج جانی
 قیج و قیج بر عهد کار و عبقری نیکو
 سخن و ها که دیر و خدیجه و سید جان
 و تیغ و صوب تیغ و آلود و جوی و قیج

آفتاب شود و آید و تان و نکار آید چنانچه چندان
 آبی سرگشایی کاهل طری ناز و جوی چیده
 خریف و سواد لب لاکر صفتی لاغر لبان
 سبب غرض و طوی جوع مسدود و افک
 یکی میان و بهر غزان سیم لبان در کمال
 کلف عرق و صلف لاف و تال و این تال
 جود و جانی و قیج جانی و قیج جانی
 قیج و قیج بر عهد کار و عبقری نیکو
 سخن و ها که دیر و خدیجه و سید جان
 و تیغ و صوب تیغ و آلود و جوی و قیج

و تان و نکار آید چنانچه چندان
 آبی سرگشایی کاهل طری ناز و جوی چیده
 خریف و سواد لب لاکر صفتی لاغر لبان
 سبب غرض و طوی جوع مسدود و افک
 یکی میان و بهر غزان سیم لبان در کمال
 کلف عرق و صلف لاف و تال و این تال
 جود و جانی و قیج جانی و قیج جانی
 قیج و قیج بر عهد کار و عبقری نیکو
 سخن و ها که دیر و خدیجه و سید جان
 و تیغ و صوب تیغ و آلود و جوی و قیج

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the right page.

چندین سال است که در این مکان
عمود چون غنچه بر لبه درختان
جوانان در این بهشت ایستاده اند
نیت کننده نیکو بختی در میان باشد
صاف و در کعبه مثل شمع آید
تراجم حیات در آن سطر اعظم افان
خودت که گوشت و خون و جان کن

مرد و جیل بود و عالم کف طایرسان
طیلم و عمل آری و حجاب و حجاب
Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the right page.

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the left page.

میلان تراز و جمل ابرو و خرد اری
فلک و سیف جادیه کشتی شاعران
لوح و سکان و جوهر ملاک و خالی
شایخ بلند فکله سر معراج و دیان
جسم و جسد و طلال و جفا و جفا
نزد آن هستی کن بدون روح و نفس
سوره و قضا و حلال و حلال که کباب
بغوت یکان ملک و قند و موی و عالم
فلک کی راجع خوشی و رت و بیست ملک

سود و سر و جسد و قوی و کف و سیف و کف
Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the left page.

Handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the left page.

لا دغ کران لاج رشا الکل خوران دایه چران
 طار بران ماضی بیان جادوی دان ساعی دوا
 جمع و فیه و قوم و فیه لثت و معشر کرده
 طار لثت شکوی کله هجده کله داعی شبان
 عی و ضلالت کله فیه عدا و مشتی
 یفاجعت قرآن بی بیان بیان آید نشان
 ربط و توفیق سلب و حل و فو کتاد
 لانتش انده خود دفع است صر و دینا
 صالح نکیط الحش کفیه بله مدمن و به
 مقول زبان سخنان زمان مایه زبان حاشیه

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

میراباودان وندی نم شجر وخت
 چون ملجأ پناه و ملک شریخت
 کل و جمع و طایفه و جملة و ان هم
 طار لثت و نصف نیمه و خوات و بعض
 فیه سداب قوم و قد سیه یادک
 دنا و کد و قریع ترا و شدید سخت
 بنام بخار و سلفی چند و جز و کد
 نعام و دینا و لثت و طان و معاص وخت
 خدعت و فیه و صلیک و جمال و فیه

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

اینکه در این کتاب
 در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر
 و در بیان ماضی و معاصر

قنداق و دوشه از دوشه بخوار
 قنداق و دوشه از دوشه بخوار

عَرَفَ بُولُوكَ اسْتَوْعَفَ بُولُوكَ اسْتَوْعَفَ بُولُوكَ

میلک مشک بر آتش میرزاوی

کتابخانه و مکتبہ اسلامیہ

وَقَدْ قَدْ سَمِعْتُ مِنْ شَيْخِي عَلَامٍ وَفِيهِ كَيْفَ مَا بَابِي

ثم ارجعوا الى ربكم فاحذروا

عناں مکہ جون پور شہر علیہ دیوہ

مخاتیم و مکاتیل کلاه افیلوله سیدانی

توضیح و تفسیر و تفسیر و تفسیر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
قيد

چند قافله نافع

قَمِي قَارَكَ نَاصِطًا وَقَدِيتَ نَوَالِي

الانف خسر ورحمت بلالهم نوحى ونوحى

کمان دکن غلامی و تشریف فہم رسوا

وَلَمَّا جَاءَهُمْ وَقَبَّحُوا ظَنَّهُمْ

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

جَنَاتٍ دَلِيلُكُمْ فَوْقَ كُلِّ أُسْطُوذَةٍ

حوکمان سرمد و موی شایب شرح بزبان

قَمَرِ بَكَارِ، آتِش مان وِکَلَوَنَتِ آتِش دان

فصل است محبت شتر ضرورت

تنامرک: بخل خون عریک اسیر کوهان ۵

Handwritten text in the top right margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

نور شد و در این شرح است

از میل و سفره بخدا فکند و آن ذکر که

چون آمد آن شب خدای ای کاف فکند

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

نور شد و در این شرح است

Handwritten text in the left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

جانم شد و همانا پدید در این شرح

من حاج و من حاج و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

و در شرح و من حاج و من حاج

Handwritten text in the top left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the middle left margin, likely a continuation from the previous page or a separate note.

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

گلستان ملکات گلستانه و منشا داده

شیخ و قاضی حقیق و فقیه بیست و ذال

چیزین شغل عجز و بدو پیش شهید

غلو لا یغفل یستی و یل دامن صدر کشت

جند و بنیان و اساس احکام و فقه کنگره

مقدم العین است ملکات حق و وفق و اتفاق

کج چشم و مؤمنش و بنال و هار و لستخ

جو کوزه و کوزه بادام است خج خایه و ز

چون سیر الطاف الوده و مقن بوده

ست منظر و بی ویرانه و شجیل آینه

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

لیک عیسی سنان موسی دان و خلافتش

بر روی و خطاطیها کند و بالان و انکاف

مقود افسار است مجله و علیقه قوبر

و حسن شتی و فرا و شجیل کورین

چون آنان بیدان و ماه و حسن و لیک

عین و با حق و خواست اما آنان ماده و خات

عجل کمال لیک حسن و نوی خکره

چون کاف و و لیک و رذی بالان و خ

مقود افسار است مجله و علیقه قوبر

موسا عیسی و خطاطان کوشه اش از سون کوش

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است
و در این کتاب که در دسترس است

ایک شفت و انا پارہ ان جو کفر و دعا

جہنم والیوں میں سے کسی عورت کا لالا

قُبَّ حَامِدُ دَانِ وَ حَامِدُ اَنْ عَجِبْ

روك و دوجيا و كلیم خرد عبا

فیریب کو آوندہ خان وادری مشا

محمد عتیق کو پیش خضار و ان دریا

بدرجہ کو آتی بدست و قطعیہ

عمیق در غیب بود و خبر چوین نول عطا

حجاب نویله باشد قراح است معین

[Faint handwritten notes]

27

1912

2000

Handwritten signature: *Wm. Lloyd Garrison*

قیوم پاکد و سده شطن و سن چورشا

[illegible]

وَحَامِ نِكَ تَوْبِلِه سَنَا سَتِيَا

تفچه باشد نبات سنگی که بخیل

کرسنک سرمد و طاعون و اندک است و تحایر

عصير شهيد و ماعون زکوة و وخت بیوت

شیعہ کا دیکھتے ہوئے دوسرا

تغیر نادره ملاطت کلامیان دوخت

امام چندی در راه و از دکان بنا

حق بانك حمار وخواه بانك بقر

تاریخ و جغرافیہ

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring dense cursive script.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, mentioning names like "میرزا" and "خان".

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

صَحِيلُ قَمِيصٍ صَالِكُهُ اسْتَبَانَكَ دَوَا
 نَعِيبُ بَانَكَ كَلَاغٍ وَطِينُ بَانَكَ مَكْنُ

هَدِيَّةُ لِسِرِّهِ سَكَّ وَبَانَكَ كَرَا حَيْثُ عَوَا
 هَدِيَّةُ بَانَكَ كَبُوزِ صَرِيرِ بَانَكَ قَلَمُ

صَبَاحُ بَانَكَ دُوبِهِ وَعَوَا اسْتَبَانَكَ اَوْ
 وَجْهِهِ وَمَلْخَصُ بَدَنِهِ مَخْصَرُ

سَوِيٌّ جَنِّ عَمِ اِدِي لَامَكُ
 وَكَانِي دَكَا وَكَانِي دَكَا

وَكُنِي بِمَعْنَى كَرَانْدِ خَبَرِ

آيَا دَهِيَا اَيُّ يَاهُ حَيْنِ

چو يَا اَيُّهَا اَيُّ بَدَايِ پَر

دُعَايِ لَفْ زَمَنِ يَشُو
 اَقْلَا اَصْلِيَّتِ هُو عَاد

بِرِ مَوْلَدِ چَو ضَعْدِ وَطَا حِن
 بَا زَنِيْنِ مَلِكِي اَيُّ اسْتَاد

وَزَمَرْتِ شَنَاسِ صَنِعِ وَدَقْ
 يَلَمِقُ وَتَقْشِ وَهَرَجِ اسْتَبَاد

وَزَمَجْمِ سَخِي وَكَوْتِ وَفَقْ

وَدَعَايِ لَفْ زَمَنِ يَشُو
 اَقْلَا اَصْلِيَّتِ هُو عَاد
 بَا زَنِيْنِ مَلِكِي اَيُّ اسْتَاد
 وَزَمَرْتِ شَنَاسِ صَنِعِ وَدَقْ
 يَلَمِقُ وَتَقْشِ وَهَرَجِ اسْتَبَاد
 وَزَمَجْمِ سَخِي وَكَوْتِ وَفَقْ

وَدَعَايِ لَفْ زَمَنِ يَشُو
 اَقْلَا اَصْلِيَّتِ هُو عَاد
 بَا زَنِيْنِ مَلِكِي اَيُّ اسْتَاد
 وَزَمَرْتِ شَنَاسِ صَنِعِ وَدَقْ
 يَلَمِقُ وَتَقْشِ وَهَرَجِ اسْتَبَاد
 وَزَمَجْمِ سَخِي وَكَوْتِ وَفَقْ

اینکه در این کتاب آمده است که
در روز قیامت هر کس که
در این دنیا کارهای نیک
و صالحه کرده باشد
و در روز قیامت
بهشت را بداند
و در روز قیامت
بهشت را بداند

عجبت و دودل در دین
میل و کواست نند و شبیه
ناس این و اناس آدمیان

پدر و مادر آدم و حوا

خس چه کاه و وسعت آوین
میسویند دوح را حلقه

مورد را اس و سولید احصا

حلبه شملند و هفت زاب

قوی و سیر است و طبع برتیب

خوش غوره شد کوفه خرما

آفتاب
و آفتاب و آفتاب و آفتاب
و آفتاب و آفتاب و آفتاب
و آفتاب و آفتاب و آفتاب

شخصه دان
و شخصه دان و شخصه دان
و شخصه دان و شخصه دان
و شخصه دان و شخصه دان

۹۲
۹۶
۹۷

